

مزایا و محاسن تفسیر المیزان

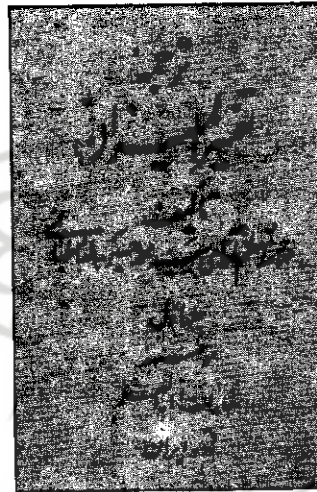
(از منظر علمای جهان اسلام)

○ غلامرضا گل زواره

همه قرآن است و حدیث. یکی دیگر از خوشه چینان خرمن خرد و فضیلت علامه طباطبایی دریا استاد خویش نوشته است که آیه الله علامه طباطبایی گذشته از جامعیت در علوم، جامع بین علم و عمل بود؛ آن هم عملی که از تراوشات نفسانیه صورت می‌گیرد و براساس طهارت سرّ تحقق می‌پذیرد. جامع بین علوم و کمالات فکریه و بین وجدانیات و اذواق قلبیه و بین کمالات عملیه و بدنیّه بود، مرد حقی که سراسر وجودش به حق متحقق بود.

بدهی است از رشحات خامه چنین حکیم وارسته و عارف راستین جز آثاری ارزنده و آموزنده با دقت‌های علمی و ژرف کاوی‌های عالی نمی‌توان انتظار داشت. آثار او همه چون مرواریدهای گران سنگ در اقیانوس علم و حکمت می‌درخشند؛ اما در میان آنان تفسیر شریف المیزان فروزندی ویژه‌ای دارد. علامه طباطبایی با آگاهی از شیوه‌های مفسران گذشته و نگرش نقادانه بر تفاسیر علمای سلف و با عنایت به رعایت ظرایف و دقایق لازم در تفسیر اصولی و صحیح و مفید آیات قرآنی و نیز با ملحوظ داشتن انگیزه‌های عالی، مقدس و خالصانه و هدفی متعالی چنین گوهر گرانبه‌ای را پدید آورد. او با دیدگاهی الهی سال‌های متمادی فلسفه و تفسیر را در حوزه علمیه تدریس کرد و پس از تبعات وافر، زمینه تالیف تفسیر المیزان برای او فراهم آمد، تفسیری که آمیخته‌ای از ایمان، تقوا، تعهد و اندیشه‌های ناب پدیدآورنده‌اش است و باید آن را در میان منظومه آثار علامه طباطبایی چون خورشیدی تلقی کرد که در اندیشه‌های حوزویان و دانشگاہیان تحول و تحرک ایجاد نمود و احاد جامعه را با انوار پرتابش خویش به سوی معنویت، تزکیه و تعالی فراخواند.

تفسیر المیزان با سبکی جدید و مطابق نیازهای فکری، کلامی و فرهنگی و اجتماعی و مقتضیات زمان نگارش یافته و حاوی نکته‌های ناب و مطالب جالب و بدیع است و از زمان تالیف و نشر نخستین مجلدات آن، با توجه کثیری از عالمان و



جامع علوم و علامه ذوقنون

عالم ربانی و علامه ذوقنون، جامع معقول و منقول، عارف وارسته علامه سید محمد حسین طباطبایی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ هـ. ش) از مفسران نامدار و دانشوران برجسته‌ای است که تبلور علم، ایمان و عمل، تفکر ناب و اخلاص، حکمت و اشراق از وی شخصیتی ممتاز و کم نظیر پدید آورد که به دلیل درجات کمال و توانایی‌های علمی، نبوغ فکری و تفوق در ابتکارات فلسفی و ساختار شگرف شخصیتی، نزد اهل بصیرت و معرفت به عنوان میزان معنویت اشتهار یافت. چنین انسانی با تبحر در فلسفه، فقه، اصول، ریاضیات، ادبیات، نجوم و علوم غریبه از یک سو و طی مقامات عالی عرفانی و تخلّق به اخلاق الهی از سوی دیگر همچون شجره طیبه‌ای است که درخت وجودش به لطف خداوند و توجهات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) ثمرات مبارکی به جامعه تحویل داد. به قول علامه حسن حسن‌زاده آملی: همه آثار آن جناب علم و فکر است، همه حقیقت و معرفت است، همه عشق است و عقل،

از اهل تسنن که با علمای ایرانی در دانشگاه‌های کشورهای عربی و خاورمیانه درباره المیزان، بحث داشته‌اند برای این اثر احترام خاصی قائل بودند و حتی المیزان را از تفسیر فخر رازی که در میان جامعه سنی مذهب نگاشته‌ای پر ارج استه قوی‌تر دانسته‌اند.^۷ یک سال پس از آن که علامه طباطبایی به نگارش المیزان پرداخت، یعنی در رمضان سال ۱۳۷۵، نشریه‌ای با عنوان رساله الاسلام که از سوی مجمع تقریب مصر منتشر می‌شود در شماره دوم از سال هشتم در گزارشی دو صفحه‌ای از دستیابی به دو جلد از تفسیر المیزان خبر داد.^۸ عادل نویهض، متفکر و مؤلف لبنانی، در بخش مستترک جلد دوم معجم المفسرین به معرفی علامه طباطبایی و تفسیر او پرداخت.^۹

فهد بن عبد الرحمن رومی، نویسنده اهل عربستان، در کتاب *انجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر از تفسیر المیزان و روش علامه طباطبایی سخن گفته است؛ ولی با هدف ترسیم تصویر نادرستی از المیزان، تا بدان وسیله به جامعه اهل تسنن القا کند که این اثر هویت شیعی دارد.*

وی می‌نویسد: «با خواندن قسمتی از این تفسیر اولین نکته‌ای که به ذهن می‌آید، این است که اثر مزبور برای عامه مردم نوشته نشده است، بلکه مخاطبان آن اهل دانش و تحقیق می‌باشند. داوری درباره المیزان همچون قضاوت در مورد تفسیر کشاف است که گفته‌اند اگر کشاف از اندیشه معتزله متأثر نمی‌بود در زمره برترین تفاسیر محسوب می‌گردید درباره المیزان هم باید گفت اگر تفکر افراسی شیعی بدان راه نمی‌یافت در ردیف تفسیرهای برتر معاصر قرار می‌گرفت». با وجود این نظر آغشته به تعصب نامبرده ادعان می‌دارد که یکی از اختصاصات این تفسیر بحث‌های گسترده‌ای است که در هنگام تفسیر بعضی از آیات مطرح کرده است و در این مباحث هر موضوعی یا تمام ابعاد و جوانب خود - آن گونه که شایسته و بایسته است - مطالعه شده است. سپس به مولف المیزان خطاب می‌کند که «من به راستی در شگفتم از این قدرت عقلانی که تو را در عمق دریای توفانی و کنترل ناشننی معانی به غور و تفحص واداشته و حقایق ژرف و مشکل را به صورت واضح و روشن در منظر اندیشه قرار می‌دهد، اما سوگمندانه این عالم مسلمان، زبان به انتقاد و مذمت می‌گشاید و می‌گوید: «بر این تفسیر اعتراض وارد است زیرا تفسیرش براساس عقاید امامیه صورت گرفته است و از این روی ما را از مراجعه به آن باز می‌دارد»^{۱۰}

دکتر علی سالوس نویسنده مصری در کتاب معروف خود کوشیده است در قالب نقد و بررسی‌های علمی، مخالفت توأم با اتهام و کینه‌توزانه خود را نسبت به المیزان بروز دهد و با این شیوه مخاطبان خود را نسبت به علامه طباطبایی و تفسیر او بدبین سازد. نامبرده ادعا می‌کند که مولف المیزان در خصوص تحریف قرآن دچار تردید بوده و نتوانسته خود را از این دالان شک و دودلی برهاند و لذا چنین فضای مشکوکی بر تفسیرش سایه افکنده است.

پژوهشگران جهان اسلام روبه‌رو شده، اما مشتاقان معارف قرآنی و کلامی آن چنان که شایسته این اثر است و به آن نپرداخته‌اند. این پدیده حاکی از آن است که شناخت کافی در خصوص المیزان و مولف آن در سطح جامعه وجود ندارد. البته خلوص نویسنده و انگیزه‌های معنوی و مقدس آن نامدار عرصه معرفت و تمایل به گمنامی و عدم تظاهر به دانشوری، کتمان کمالات روحانی به اضافه حجاب معاصرت نیز اهمیت این اهتمام عالی را از دیدگاه علاقه‌منان مستور داشته‌است.

بدیهی است که عظمته گستردگی، ژرفایی، صلابت و استواری محتوای المیزان مورد اتفاق همه کسانی است که با این اثر و جوانب آن آشنایی دارند و به دور از هر گونه پیش داوری درباره آن به قضاوت می‌نشینند. علامه طباطبایی در سامان دادن این اثر تمین علاوه بر خود قرآن که منبع وی در تالیف تفسیر المیزان بوده به بیش از یکصد و هشتاد منبع تفسیری روایی، لغوی، تاریخی، علمی و اجتماعی مراجعه کرده که برخی از این منابع در چندین مجلد تالیف شده‌است.^{۱۱} مولف حتی کتب مقدس مذاهب دیگر از قبیل انجیل، اوستا، تورات، السواعی (از کتب ارتدکس روم)، اعمال الرسل و رساله پولس را با قرآن کریم مقایسه و آنها را نقد کرده است.^{۱۲} روش عالی و عمیق مولف المیزان، بیان رسا و رشد دهنده و مزایای دیگر این تفسیر ارزشمند موجب آن گردید که پس از نشر نخستین جلد‌های آن مرزهای سرزمین‌های اسلامی و اقلیم قبله را در نوردیده و به کتابخانه‌های دانشوران و مراکز فرهنگی مسلمانان تشنه زلال حقیقت راه یافت و حقایقی از مباحث قرآنی را در پیش روی امت اسلام گشود. دانشمندان مصری با ملاحظه این تفسیر به توانایی علمی و دقت علامه طباطبایی و سهولت در طرح مطالب توسط وی پی بردند و اجتناب نامبرده از تعصب و شیوه‌های ابتکاری و نقادی‌های عالمانه و منطقی او را ستودند.^{۱۳} دکتر غلامعلی حداد عادل می‌گوید در یکی از مسافرت‌های خارجی با دانشمندی مسلمان که اهل مالزی بود آشنا شدم که از حوزه‌های علمیه ما تنها یک چیز داشت و آن تفسیر المیزان بود که از بیروت تهیه کرده بود و اشتیاقی نسبت به آن داشت و ما در آنجا به خود می‌بالیدیم که دانشمندی داریم که در عصر خود جهانی شده است.^{۱۴}

دیدگاه‌های متفاوت و مورد تأمل

المیزان جایگاهی قوی در میان شیعه و سنی دارد. در برخی کشورهای عربی مقالاتی درباره این اثر و ویژگی‌های آن نگاشته شده و هم اکنون در حوزه‌های اهل سنت قابل پذیرش است و یکی از ارکان مهم تفسیر شیعی در میان پیروان مذهب تسنن المیزان است. آیه الله دکتر محمد صادقی که خود از محضر علامه طباطبایی محظوظ بوده این واقعیت را در مکه، مدینه لبنان، سوریه و جاهای دیگر مشاهده کرده‌است. آزاداندیشان و بلندنظران اهل سنت مجذوب مطالب المیزان‌اند، اما گروهی که برخی تعصب‌های فرقه‌ای را با فکر و اندیشه خود ممزوج می‌کنند نگاهی بدبینانه به المیزان دارند. کسانی



به مناسبت

یکصدمین سالگرد تولد علامه طباطبایی (ره)

این حال دبیر کل کنگره جهانی مبارزه با مواد الکلی به محضر آیه الله بروجردی شرفیاب گردید و از آن فقیه پر آوازه درخواست کرد نوشتاری در خصوص تحریم الکل از نظر اسلام نوشته شود و پس از ترجمه به زبان انگلیسی در کنگره قرائت گردد. آیه الله بروجردی، ضمن تجلیل از مقام علمی علامه طباطبایی، ایشان را برای نگارش این مقاله معرفی کردند.^{۳۰}

شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب کتاب ارزشمند الذریعه و نیز مولف طبقات اعلام الشیعه، در معرفی علامه طباطبایی و تفسیرش نوشت: سید محمدحسین طباطبایی تبریزی قاضی، عالمی ارجمند و مدرسی بزرگ است و از استادان سرشناس و ارکان حوزه علمیه قم به شمار می‌رود. او را آثار علمی مهمی است که بزرگترین و ارزنده‌ترین آنها کتاب المیزان فی تفسیر القرآن است. این کتاب موسوعه‌ای بزرگ در تفسیر قرآن است که با اسلوبی متین و شیوه‌ای فلسفی تألیف یافته و تاکنون دو مجلد آن به زیور طبع آراسته شده است. من چوتان کسی که حقیقتی را یافته باشد بدان دست یافتم و با امکان نظر به مطالعه آن پرداختم و سخت به شگفت آمدم، چه این اثر نه تنها یک تفسیر است بلکه حاوی بحث‌های فلسفی تاریخی، اجتماعی و جز آنها نیز هست.^{۳۱}

از نظر علامه شهید مطهری، علامه طباطبایی مردی بسیار بسیار بزرگ و ارزنده است که صد سال دیگر تازه باید افکار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند. این مرد واقعاً یکی از خدمتگزاران بسیار بزرگ اسلام است او به راستی مجسمه تقوا و معنویت است و در تهذیب نفس تقوا مقامات بسیار عالی را طی کرده است. این متفکر شهید که سالیان دراز از فیض محضر پر برکت این مرد بزرگ بهره‌مند بوده‌است می‌افزاید: «تجلیل از امثال این مرد بزرگ تجلیل از علم است تجلیل از اجتماع است نه تنها در دنیای اسلام، در دنیای غیر اسلام در اروپا و امریکا هم مستشرقینی که با معارف اسلامی آشنا هستند ایشان را به عنوان یک متفکر بزرگ می‌شناسند»^{۳۲}

شهید مطهری خاطر نشان می‌سازد که حضرت آقای طباطبایی از نظر کمالات روحی به حد تجرد برزخی رسیده‌اند و می‌توانند صور عینی را که افراد عادی از مشاهده آنها ناتوان‌اند مشاهده کنند.^{۳۳} دکتر غلامعلی حداد عادل نقل کرده است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در خدمت آقای مطهری بودیم صحبت از کتاب‌هایی شد که در آن زمان در جامعه رواج و رونق داشت. ایشان که در مقابل کتابخانه خود نشسته بود ضمن ابراز تأسف از نشر برخی آثار، فرمود تا چند سال دیگر این کتاب‌ها از رواج و رونق خواهند افتاد و حتی فراموش خواهند شد اما تفسیر المیزان روز به روز قدر و منزلت

اما باید گفت که یا نویسنده از نظر علامه درباره تحریف قرآن بی‌خبر بوده و بحث‌های مفصل او را در مورد اثبات مصونیت قرآن از تحریف که خود کتابی را تشکیل می‌دهد^{۳۴} مطالعه نکرده یا می‌خواسته از روی قصد و عمد و اغراض شخصی توأم با تعصب‌های فرقه‌ای نام این عالم شیعی را در میان اهل تسنن منفور و مذموم جلوه دهد.^{۳۵}

یادآور می‌شویم که دکتر سالوس در دانشگاه قطر استاد فقه و اصول بوده و به اعتقاد وی شیعه چون به امامت اعتقاد دارد مانع تقریب مذاهب است و به همین دلیل کوشش‌های دارالتقریب را عبث تلقی می‌کند.^{۳۶}

به رغم این نظریات مخلوش و غیر واقعی، محمد فاضلی از استادان دانشگاه در مقاله‌ای بخشی از مشخصات المیزان را در دو قسمت شامل ارزیابی محتوایی و طبقه بندی کتاب‌های مورد مراجعه علامه پی گرفته است. وی می‌نویسد: این تفسیر یا شیوه‌ای جالب و مطالب دلنشین و مباحث تحقیقی خود به سفره‌ای گسترده می‌ماند که «فیها ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین»^{۳۷} در آن بهشت آنچه دل‌ها خواهان است و دیده‌ها از آنها لذت می‌برد موجود است و هر کس بر حسب فراخور حالش از آن تمتع می‌یابد، پرداختن وی به مسائل به شیوه‌ای عمیق و در ابعاد وسیع خواننده را خرسند و در موارد متعددی وی را با تحقیقات تازه روبه‌رو می‌سازد و از سوی دیگر ایراد مباحث تحقیقی، فلسفی، کلامی، ادبی و... که به مناسبت‌های خاصی در تفسیر آیات آمده است بر ارزش و اهمیت آن می‌افزاید.^{۳۸}

مصطفی محمد باجفی نیز جهت ثابت نمودن نظریات خود از استدلال‌های علمی المیزان بهره گرفته و از دلایل علامه طباطبایی استقبال کرده است.^{۳۹}

شیخ محمد فحّام، رئیس انجمن فرهنگی مصر، نوشته است: اما تفسیر المیزان را بهترین تفاسیر یافته‌ایم و تا جلد هجدهم آن را مطالعه کرده‌ایم.^{۴۰}

دکتر وهبه الزحیلی از مفسران معاصر و صاحب تفسیر المنیر و دانشور مشهور سوریه گفته است تفسیر المیزان را دارم و بدان مراجعه می‌کنم.^{۴۱}

جویبار جانبخش

مشاهیر شیعه و دانشورانی که به نحوی با علامه طباطبایی معاصر بوده‌اند یا از محضرش بهره گرفته‌اند این شخصیت و تفسیر ارجمندش را ستوده‌اند و مقام آن مفسر عالیقدر را تکریم کرده‌اند. آیه‌الله العظمی سید محمد حسین بروجردی مرجع تقلید شیعیان جهان هنگامی که علامه طباطبایی به محضرش رسید با نگاهی پر محبت به وی خاطر نشان ساخت آقای سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی از علمای بزرگ اسلام‌اند و تفسیر پر ارزشی دارند. در

مقام دشوار است قهراً شناخت شخصیتی چون علامه بسیار سخت خواهد بود ولی به مقداری که انسان از نشانه‌های ظاهر و تجلیات او چه در آثار قلمی و چه در آثار بیانی‌اش به یاد دارد می‌توان رسم این شخصیت را تبیین کرد نه حدّ وی را. استاد علامه طباطبایی چون یک فیلسوف مثاله بود مسائل الهی را خوب هضم کرده و به عمق آنها رسیده بود. او این حکمت الهی را در خدمت قرآن آموخت و چون قرآن کریم میزانی است خطاناپذیر، مکاتب گوناگون فلسفه‌های مادی را با این میزان می‌سنجید. و بر این میزان عرضه می‌کرد؛ هر چه مطابق نبود رد می‌کرد و هر سخنی که مطابق بود می‌پذیرفت و راز رد یا قبول راه یا نیز بیان می‌کرد؛ سخن کسی را بدون دلیل رد نمی‌کرد، یا از راه حکمت وارد می‌شد یا از راه جدال احسن که روش قرآن کریم است. حضرت استاد گوشید هر یک از دو رشته عرفان و برهان را در جای مناسب خویش در حضور قرآن مجید در تفسیر قیم خود مجتمع سازد و این جامعیت علامه در تحقیق مبانی صدرایی و تحلیل منطقی سینیایی خاطره گرامی فارابی را در اذهان زنده می‌کند.^{۲۸}

استاد جوادی آملی درباره تفسیر المیزان گفته‌اند: همان‌طور که قرآن مخزن همه علوم است تفسیر استاد علامه نیز مخزن آراه و افکار علمی است که این حکیم الهی از آن بهره‌مند شده و به دیگران رسانده است و لذا عده زیادی از میوه‌های این شجره طوبی می‌گیرند منتهی باید این شاخه را تکان داد تا رطب علم و معرفت از آن فرو بریزد کتاب‌های علامه را هم باید ورق زد و با نوشته‌های ایشان باید مانوس شد و اگر تکانی به شاخه شجره طوبیای تفسیر، حدیث و علوم عقلی ایشان داده شود نکته‌های تازه و ناب به دست می‌آید.^{۲۹}

به اعتقاد علامه آیه‌الله جوادی آملی ویژگی برجسته المیزان آن است که علامه طباطبایی بین ظواهر آن انسجامی برقرار کرده که یکدیگر را تفسیر می‌کنند و بین بواطن قرآن هم ارتباطی برقرار نموده که یکدیگر را تأیید می‌کنند. مرحوم علامه همان‌طور که برای قرآن تفسیر ظاهری و تفسیر باطنی قائل است، به تأویل نیز قائل است. بین تأویلات قرآن هم هماهنگی و همسانی دیده می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی در اثر تهذیب نفس توانست از شرح صدر برخوردار شود و با قلب باز به خدمت قرآن برود، قرآن خودش را به او نشان دهد، آیات کلیدی را به وی ارائه دهد.^{۳۰} علامه طباطبایی در پرتو تفسیر قرآن سخنان اهل بیت(ع) را مطرح کرد و آنچه را که آن ستارگان درخشان درباره قرآن کریم فرموده بودند نقل و تحلیل و تشریح کرد و ثابت نمود هرگز قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند. همچنین قرآن را به روشی تفسیر کرد که اهل بیت(ع) تفسیر نموده بودند. در واقع با بهره‌گیری از قرآن و عترت مطالبی را تألیف و منتشر کرد. لذا سراسر تفسیر قرآن کریم سخنان تقلین را زنده کرده است. تفسیر مرحوم علامه طباطبایی تفسیری است قرآنی نه عرفانی و فلسفی. ایشان بحث فلسفی یا دیگر بحث‌ها را در لابه‌لای تفسیر ذکر نمی‌کردند تا مرز فلسفه و سایر علوم از تفسیر جدا شود.^{۳۱}

و اعتبار افزون‌تری خواهد یافت. سی سال دیگر تفسیر یاد شده جای خود را پیدا نموده و طلوع می‌کند. تفسیر المیزان از منابع مهمی بود که شهید مطهری از آن استفاده می‌کرد و یادداشت‌ها و حواشی ایشان در خصوص نکات تفسیری المیزان می‌تواند معرف رابطه آن متفکر با این تفسیر باشد.^{۳۲} آن متفکر عالی مقام خاطرنشان می‌نماید: «کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در تفسیر المیزان پیدا نکرده باشم»^{۳۳}

در مکتب قرآن و عترت

علامه آیه الله حسن حسن‌زاده آملی گفته است: «حضرت استاد علامه طباطبایی - رضوان الله علیه - در نعمت مراقبت و ادب مع الله حظ وافر بلکه اوافر داشت. وجودی که تمام شئون زندگی او و همه آثار قلمی‌اش از مختصرترین آنها تا تفسیر قویم و عظیم المیزان و جمیع احوال و اطوار محافل درس و بحث و مجالس تادیب و تعلیم او خیر و برکت و عقل، فکر، شور و عشق بود. بهترین معرف آن جناب سیر و سلوک انسانی و آثار علمی از تدریس و تألیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند از تلامذه اویند و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است یکی از آثار نفیس قلمی و ام الکتاب مولفات اوست. این تفسیر شهر حکمت و مئینه فاضله‌ای است که در آن از بهترین و بلندترین مباحث انسانی و شعب دینی از عقلی و نقلی و عرفانی و فلسفی و حکمت متعالیه و اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و مانند آن بحث شده است و من از مدح و ثنای مجدد و ستای آن جلسات صبح سعادت که سالها دراز در حضور باهر النور استاد تعلیم و تأدیب، علامه طباطبایی، ابواب رحمت از القای اصول معارف الهی به روی ماگشود ناتوانم.^{۳۴} ایشان در جای دیگر نوشته است: «سفینه منقالات و مشحون از ثر و ثمائی پرورده دریای بیکران قرآنی اعنی تفسیر عظیم المیزان که از بیست سال غواصی آشنای بدین بحر معانی سبع المئانی علامه کبیر طباطبایی استخراج و تنظیم شده است.»^{۳۵}

آیه الله حسن‌زاده آملی در بیاناتی خاطرنشان کرده است: «این تفسیر آیه به آیه مطلبی است که ابتدا ائمه تعلیمان داده‌اند و مرحوم علامه طباطبایی این سیره حسنه را از منطق وحی و از ولایت دارد و ایشان در این باره سخن دارند که قرآنی که به زبان خودش می‌فرماید من «تبیان کل شیء هستم» حاشا و کلا که تبیان خودش نباشد و این حقیقت خودش بیان گفتر و عمل مصوم است.»^{۳۶}

به عقیده آیه‌الله عبدالله جوادی آملی، شخصیت علمی و عملی استاد علامه طباطبایی برای کسی روشن خواهد شد که یا در آن سطح یا برتر از آن سطح باشد و همان‌طور که اصل شناخت نفس دشوار است شناخت این نفوس کامله به مراتب دشوارتر خواهد بود. حقیقت هر انسانی را اندیشه و عمل او تشکیل می‌دهد. وقتی می‌توان درباره شخصیتی چون علامه طباطبایی سخن گفت که اندیشه‌های فولادین و اعمال خالصانه او تبیین شده باشد و چون نیل به این دو



به مناسبت

یکصدمین سالگرد تولد
علامه طباطبایی (ره)

جامع ظاهر و باطن

تربیب متخصصان و محققان در علوم اسلامی و پرورش افراد پاکدل که توانایی عروج به مقامات معنوی را دارند بررسی کند، خواهد دید که این فعالیت‌ها از توان یک فرد بیرون است و اُمتی برای قیام به آن لازم است. نکته جالب توجه از نظر اخلاقی و معنوی، وارستگی علامه طباطبایی از هر نوع تظاهر به دانش بود. محرک وی برای جلب رضایت خلوت‌وند و اخلاص بود. اگر فردی از مراتب علمی او آگاهی قبلی نداشت هرگز فکر نمی‌کرد که این مرد پایه گذار روش جدید در تفسیر و طراح قواعد و مسائل نو در فلسفه و استادی مُسلم در سیر و سلوک بوده باشد.^{۳۳}

علامه طباطبایی را باید از بنیانگذاران شیوه خاص در تفسیر دانست که نمونه‌های آن فقط در اخبار خاندان رسالت وارد شده است و آن تفسیر قرآن به قرآن و رفع ابهام آیه به وسیله آیه دیگر است این شیوه از تفسیر، محصول دعوت نبی اعظم و وصی گرامی او بوده است.^{۳۴}

سکّه صاحب عبار

آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی صفای روح و معنویت استادش علامه طباطبایی را مورد تاکید قرار داده و از احترام آن مفسر کبیر نسبت به شاگردانش سخن گفته است. علامه طباطبایی از ایشان خواست تا المیزان را ترجمه کند و آیه‌الله مکارم جلد اول را در دو مجلد به فارسی برگردانید ولی به عللی به ادامه آن موفق نشد.^{۳۵} ایشان تفسیر المیزان را تفسیری می‌داند که براساس روش عالی تفسیر قرآن به قرآن بناشده و حقا متضمن یک سلسله حقایق است که تاکنون بر ما مخفی بوده است.^{۳۶} ضمناً در تفسیر نمونه که گروهی از محققان حوزه علمیه قم زیر نظر آیه‌الله مکارم به نگارش در آوردند، به کرات از تفسیر المیزان به عنوان ماخذی مهم استفاده شده است.

آیه‌الله محمد هادی معرفت این تفسیر را گنجینه‌ای از اندیشه اسلامی می‌داند که، نوآوری‌های بسیار قابل توجهی در آن وجود دارد که متأسفانه در زمان خود علامه این مطالب در جامعه ما روشن نشده است، چه رسد به جوامع دیگر. به نظر وی وجود عینی و شخصیت علامه در المیزان منعکس است. علامه مطالب بسیار نو و تحقیقات بسیار عمیق و عالی را در این تفسیر مطرح کرده‌اند و همه شخصیت علمی خود را در تفسیر المیزان ریخته است بنابراین بحث و تحقیق پیرامون این تفسیر و استخراج مطالب نو که در این اثر فراوان است یکی از ضروریات حوزه‌های علمی شیعه است تا دست کم به عنوان یک دانشمند اسلامی بتوانیم او را به دنیای اسلام عرضه کنیم. وی می‌افزاید که تأسف‌انگیز است که شاگردان دست اول علامه در حوزه، مطالب علامه را مطرح نکرده‌اند و تفسیر

علامه سید محمد حسینی تهرانی براین باور است که فخرالمفسرین و سند المحققین استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی با آن که از اول عمر یا دو بال علم و عمل حرکت داشت و در مکتب فلسفه عرفان نزد مرحوم حاج میرزا علی آقا قاضی طی طریق نمود و عمری را در قیاس و برهان و خطابه و تقویت علوم فکری با بهره‌گیری از اشارته اسفار و شفا و تحشیه آنها سپری نمود و در عین اشتغال کامل به خلوت‌های باطنی و مراقبه عرفانی بالاخره راحله خود را در آستان مقدس قرآن یکسره فرود آورد و چنان متوغل در آیات سبحانی گردید که بحث و تفکر و قرائت و تلاوت و تفسیر و تحلیل و تأویل آیات قرآن برای ایشان از هر ذکری و فکری عالی‌تر و تدبیر در آنها از هر قیاس و برهانی دلپذیرتر و مسرت‌بخش‌تر بود.^{۳۷}

علامه تهرانی به این موضوع اشاره دارد که وقتی علامه طباطبایی در تبریذ بود تفسیری از اول قرآن تا سوره اعراف نگاشت که مختصر بود و از روی همان و نوشته‌های تدوین شده درباره قرآن به شاگردانش تدریس می‌کرد ولی بعداً تفسیر المیزان را نوشته بنای این تفسیر بر آن است که آیات را خود آیات تفسیر کند و معنای قرآن را از خود کلام وحی به دست آورد و بر آن اساس معانی استفاده شده از بیرون سنجیده و موافقت یا مخالفتش با قرآن مشاهده گردد. علامه در این تفسیر با جمله‌ای کوتاه عالمی از علم را نشان می‌دهد و انسان را به لقاء الله و وطن اصلی فرا می‌خواند: بین معانی ظاهری و باطنی و عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می‌کنند. این تفسیر به قدری جالب و دلنشین است که آن را می‌توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب‌ها و مذهب‌ها فرستاد و بر این اساس آن‌ها را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند کما آن که خود به خود این مهم انجام شده و المیزان در دنیا انتشار یافته است.

این تفسیر در نشان دادن نکات دقیق و حساس و جلوگیری از مغالطه کلمات معاندین و نیز در جامعیت منحصر به فرد است و حقا می‌توان گفت که از صدر اسلام تاکنون چنین تفسیری به رشته تحریر در نیامده است.^{۳۸}

عالم محقق و مفسر نامی آیه‌الله شیخ جعفر سبحانی علامه طباطبایی را در زمره شخصیت‌هایی چون شیخ مفید و شیخ طوسی تلقی می‌کند و می‌افزاید که هرگز نمی‌توان بعد فکری و روحی آن مفسر حکیم را در دانش خاصی احصاء کرد و به مقامش از زاویه‌ای خاص نگریست.^{۳۹}

از دیدگاه آیه‌الله سبحانی اگر کسی مجموع خدمات ارزنده علامه طباطبایی را درباره تفسیر قرآن، تحقیق در مفاهیم احادیث، تنظیم مسائل فلسفی و پی ریزی قواعد نو و

معضلات معارف الهی و احکام شریعت حقّه دین حنیف اسلام به آنها فروغی بخشید و با انوار ثقلین بر اعتبارشان افزود. استادنا لاکرم و مولینا الاعظم قواعد عقلی را برای توضیح و تفسیر قرآن کریم به کار برده است بلکه بحث‌های فلسفی و روایی را در تفسیر شریف المیزان بهانه‌ای قرار داده تا بدین وسیله بر اعتبار قواعد عقلی بیفزاید و حقایق این علوم شریفه را از طریق قرآن معصوم و لسان بیت عصمت علیهم السلام به اثبات برساند.^{۳۳}

مایه فخر و مباهات

مرحوم آیه‌الله علی احمدی میانجی متذکر گردیده است که علمای شیعه از روشی صحیح مبتنی بر مذاقه در ظاهر قرآن کریم و سپس تمسک به روایات ائمه اهل بیت (ع) پیروی کردند که به منظور آگاهی از تلاش آنان می‌توان تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی را از نظر گذراند. این روش ادامه داشت تا سرانجام در روزگار ما به استاد محقق، علامه طباطبایی (قدس سره) منتهی شد. ایشان کمر همت بر بست و دشواری‌ها را بر خویش هموار ساخت و به جمع و بحث و تحقیق و تدقیق پرداخت و از آب گوارایی که آبشخورش او را سهل می‌نمود سیراب شد و آسوبی نو و نیکو در تفسیر اتخاذ کرد و بدین جهت تفسیرش مایه فخر و مباهات امامیه گشت. آن سان که با استقبال و مراجعه علما و متفکران در بسیاری از علوم اسلامی واقع شد و نویسندگان و محققان بزرگ به استفاده و استفاضه از آن پرداختند و از دور و نزدیک با علاقه فراوان بدان روی آوردند و بدان رغبت ورزیدند.^{۳۴}

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پیرامون مسائل علمی گوناگون تحت عناوین خاصی سخن گفته و نیز به بحث و تحقیق راجع به پاره‌ای از مسائل بدون ذکر عنوانی خاص پرداخته است که اگر کسی به عین انصاف بدان مراجعه کند، درمی‌یابد که طالبان علم و نویسندگان معاصر پس از وی غالباً ریزه‌خواران دانش اویند و از تحقیقات قرآنی یا فلسفی دقیقش استفاده می‌کنند. وی می‌افزاید که وقتی که استاد به قم تشریف آوردند همواره مرهون افاضات سودمندشان بوده‌ام و دوره‌ای کامل از اصول و هیئت و تقویم رقومی را در محضرشان تحصیل کرده‌ام و هرگاه در گذشته به زیارت ایشان، که در تبریز کنج انزوا گزیده سرگرم تحقیق و تألیف بودند، می‌شناختیم، می‌دیدم که برای برخی از دانش پژوهان درس تفسیر می‌گویند.^{۳۵}

یادگار ماندگار

به نظر آیه‌الله ابراهیم امینی که محضر علامه طباطبایی را درک کرده و علاوه بر روابط استادی و شاگردی اتس و ویژه‌ای با آن حکیم مفسر داشته است، علامه دانشمندی صرف نبود بلکه عالمی ربانی و مهذب و انسانی کامل، با تقوا و دارای فضیلت بود. به نفس خویش همواره توجه داشت و در تهذیب و تکمیل آن تلاش می‌کرد و در این راه مدارجی را پیموده بود. حقایق و معارف اسلامی را با بیانی کوتاه و شیوا در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌داد. به آیات قرآن و احادیث کاملاً تسلط داشت و در موارد مناسب از آنها استفاده می‌کرد. سخنان پر مغز

خودشان را می‌گویند. تفسیرهای بسیاری در حد یک مراجعه‌کننده مبتدی در فهم قرآن و برای مردم معمولی نوشته شده است اما هیچ یک نتوانسته‌است تفسیر المیزان را جلوه دهد و گویای اندیشه‌های علامه در این تفسیر باشد. این ظلمی است که در حق علامه شده و به عقیده من ایشان در جامعه شیعه و در حوزه علمیه قم و دیگر حوزه‌های شیعه مظلوم‌ترین فرد است. آن همه زحمت و تلاش که ایشان روی قرآن انجام داده و مطالب نوی که آورده است مورد توجه قرار نگرفته است.^{۳۶}

آیه‌الله دکتر محمد صادقی که به گفته خودش مدت نه سال در درس علامه طباطبایی شرکت کرده و عنده استفادۀ قرآنی او از محضر این مفسر وارسته بوده است^{۳۷} می‌گوید نقاط عطف فکری به وجود آمده از تفسیر المیزان در یک نقطه مختصر می‌شود و آن این که روی هم رفته نظر علامه در این تفسیر - چنانچه خودشان در مقدمه آن فرموده‌اند - توجه دادن به معانی اصیل قرآنی است.

آیه‌الله دکتر صادقی معتقد است درک و فهم المیزان در بالاترین سطح عقلی و علمی امکان پذیر است و موانع شناخت آن از یک نظر درونی استه زیرا روش بی سابقه‌ای در پیش دارد و از نظر دیگر برونی است، زیرا نوعاً مقدمات فهم این گونه تفسیرها کمیاب‌اند. در حقیقت هم قالب و شیوه خود تفسیر بی نظیر است و هم آمادگی قرآن پژوهان چنان نیست که مانند سایر تفاسیر بتوانند به مقاصد عالی آن پی ببرند. گلستانی است با نهال‌های جدید که بایستی با نگاهی تازه بررسی شود.

آیه‌الله صادقی مفسران شیعه را به ادامه روش تفسیری المیزان توصیه می‌کند و خاطر نشان می‌سازند که علامه طباطبایی هم این تفسیر را برای این نوشتند که تکمیل نشود. در جلد سی‌ام تفسیر الفرقان - که قبل از مجلدات دیگر نوشته شده است - ایشان تقریری مرقوم فرمودند و در آن جا تشویق کردند که در این سبک خسته نشوید و ادامه بدهید.^{۳۸}

آیه‌الله محمد محمدی گیلانی که این افتخار را داشت که چندین سال متوالی از حوزه دینی علامه طباطبایی بهره ببرد، در نوشتاری یادآور می‌شود که حقاظ شریعت و عظمایی که با همت بلند خویش در مقاطع مختلف تاریخی اسلام فکر دینی را در مردم احیاء کرده‌اند و رنگ شرک و بدعت را از دامن اسلام زوده‌اند هزاران نقد به بازار کائنات آورده‌اند ولی سگه صاحب عیار استاد اکرم و والداکمل حجة‌الله العظمی علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در میان آن همه نفوذ و جلوه خاصی دارد. این رجل عظیم والا همت که زیر چرخ کبود ز هرچه رنگ تعلق‌پذیر آزاد بود، مانند صالحان از اسلاف خویش در فنون گوناگون معقول و منقول صاحب نظر و مبتکر بود. ولی آنچه که به این معلم الهی و آثارش جلوه خاصی می‌بخشد این است که پروردگار منان به این عبد صالحش، در نتیجه تمسک وی به قرآن مجید با تمامی توان و تبعیت تام از عزت طاهره علیهم السلام، توفیقی عنایت فرمود که با بهره‌گیری از همه آن فنون در حل



به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد علامه طباطبایی (ره)



اخلاقی والا، وارستگی و پارسایی کم نظیری برخوردار است. به اعتقاد وی امتیاز بسیار مهم علامه طباطبایی جامعیت او در علوم نقلی و عقلی و افق فکری باز و گسترده اوست. وی طی بحث‌های فلسفی و تفسیری، کلیه مسائل مورد نیاز جامعه امروز را با اسلوب علمی و تحقیقی بررسی کرد و همان مباحث به اعتراف مرحوم شهید مطهری الهام بخش وی بود و سررشته بسیاری از تحقیقات علمی را به دست او داد. علامه طباطبایی دو درس عمومی نیز تدریس می‌کرد یکی اسفار ملاصدرا و دیگری تفسیر قرآن و در هر کدام بیش از صد تن از فضلا شرکت می‌کردند. همان درس‌های تفسیر بعدها به صورت کتاب با ارزش المیزان در آمد که بسی مایه افتخار امامیه شده است. تفسیر المیزان در ردیف اول و در صدر جدول تفاسیر قرآن در جهان اسلام قرار دارد.^{۳۳} المیزان براساس مذهب اهل بیت(ع) و حمایت از فکر تشیع به رشته تحریر در آمده و تحولات فکری و فرهنگی اجتماعی معاصر را ملحوظ داشته و به همین دلیل مباحثی نو دارد.^{۳۴}

استاد سید جعفر سیدان در ارزیابی تفسیر المیزان می‌گوید این تفسیر امتیازهای فراوانی دارد که بخشی از آنها را باید در جمعیت مولف جستجو کرد و برخی را در سبک و شیوه تالیف کتاب المیزان. تبحر بسیار بالای علامه در علوم عقلی و نقلی و اهتمام ایشان به کار تفسیر و عزم ایشان بر استقصاء تفصیل، تحقیق و بحث کلام سبب شده است تا مجموعه المیزان حاوی بررسی‌های عمیق و اصیل باشد. در مجموع می‌توان تصریح کرد که این تفسیر جایگاهی پس والا دارد و حتی تفاسیری که بعد از المیزان نوشته شده‌اند نتوانسته‌اند برتر از آن به شمار آیند یا از نظر تبیین مطالب و احاطه بر تفسیر با آن برابری کنند.

استاد سیدان در ادامه، برخی از نظریات تفسیری علامه طباطبایی را نقد کرده و خاطر نشان نموده است که علامه تأکید دارد قرآن خود تبیین کننده آیات خویش و همه آن نور و بینات است و لازمه این خصوصیت بی‌نیازی از تفسیر و توضیح پیامبر و ائمه است، اما علامه آیات معاد و احکام را استثنا کرده است.^{۳۵} بر این اساس باید نظر علامه بدین صورت تعدیل شود که برای تفسیر قرآن از سنت بی‌نیاز نیستیم و اگر برخی از آیات قرآن به روایات متکی باشند از نور بودن قرآن چیزی کم نمی‌شود.

علامه طباطبایی در المیزان می‌گوید قرآن برای همه مردم آمده است و از آنان خواسته تا درباره مطالب آن تامل و تدبر کنند. از دو نکته یاد شده چنین مستفاد می‌گردد که اگر مردم در قرآن بیندیشند برایشان قابل فهم است و برای درک حقایق قرآن و حقایق معرفتی آن نیاز به غیر قرآن ندارند.^{۳۶} استاد سیدان این گفته علامه را نقد کرده و خاطر نشان ساخته

استاد از دریای دانش مایه می‌گرفت و همانند چشمه جوشانی نفوس تشنه علاقه‌مندان را سیراب می‌کرد. عالی‌ترین مطالب را در تفسیر می‌نوشت و دقیق‌ترین مطالب فلسفی را برای افاضل طلاب و استادان دانشگاه و دانشمندان خارجی مانند هانری کرین فرانسوی بیان می‌کرد. اهل مطالعه، تحقیق و تفکر بود و عمر پر برکتش را در این راه و نیز تالیف و تصنیف صرف کرد و آثار گرانبهایی از خویشتن به یادگار گذاشت. در مطالعه و تفکر قدرت فوق العاده‌ای داشت. می‌توانست مدتی تمام حواسش را در مطلبی متمرکز سازد و بدون این که از آن خارج شود تنها درباره آن فکر کند. اکثر اوقاتش را در تالیف تفسیر المیزان صرف کرد. به تفسیر، حدیث و فلسفه علاقه‌مند بود و در این راه انصافاً استقامت و پایداری به خرج داد. با همه دشواری‌ها ساخت و تفسیر گرانبهای المیزان را که گنجینه‌ای از علوم و معارف اسلامی است و حقاً می‌توان آن را به عنوان یک دائرةالمعارف اسلامی معرفی کرد به یادگار نهاد.^{۳۷}

دکتر احمد احمدی از محققان معاصر و استاد دانشگاه به این نکته اشاره می‌کند که علامه طباطبایی همواره تأکید بر سازگاری دین و عقل داشت. در مورد معاد جسمانی یا روحانی و عقلانی نظرشان این بود که اگر ما نتوانستیم در مواردی حقیقتی را با عقل درک کنیم تابع محض قرآن کریم و دین خواهیم بود و در واقع پای عقل را در برابر وحی، مستحکم، قویم و متین نمی‌دانست تا بتواند در یک سلسله جزئیاتی که دین درباره آنها نظر دارد، مداخله کنند. این نکته در تفسیر المیزان بسیار مشهود است. بنابراین با تمام علاقه و احترام خاصی که به دین و عقل داشت و یا این که با تمام وجود از حقانیت عقل دفاع می‌کرد مانند این رشد و امثال او نبود که گاهی نسبت به دین بی‌مهری کند. بلکه حد هر کدام را حفظ می‌کرد و حدود کاربرد عقل، علم، دین، عرفان و نظایر آنها را کاملاً مشخص و معلوم می‌کرد و در حقیقت یکی از شیوه‌های بسیار برجسته و ارجمند ایشان تفکیک حدود و وظایف اینها بود. در نظر ایشان دین در حوزه عقل وارد نمی‌شود و عرفان، عقل و استدلال هر کدام جایگاه مخصوص خود را دارند. ایشان در هیچ جا مسائل عرفانی را با امور فلسفی مخلوط نکرده‌اند. مثلاً در تفسیر المیزان بحث اسماء حسنا می‌خواند در قرآن کریم - سورة اعراف - باتوجه به روایات بررسی و سبکی بسیار ارزنده و خوب ارائه شده است که شاید تاکنون کسی تا این حد در این باره سخن نگفته باشد. باوجود آن که این مطلب (اسماء حسنی) جای تاخت و تاز مرکب عرفان است، هیچ گاه این کار انجام نشده و حد قرآنی کاملاً محفوظ مانده است.^{۳۸}

آیةالله محمد واعظ زاده خراسانی، علامه طباطبایی را یکی از شخصیت‌های علمی جهان اسلام دانسته که از

کمتری که در آن جنبه‌ها داده‌اند بیشتر به نکته‌های غیبی آن پرداخته‌اند و مخصوصاً این نکته از همه مهمتر است که در مشکلات آیات، از آیات دیگر قرآن کمک گرفته‌اند و آیات دیگری را که در آن زمینه نازل شده است با ذکر سوره و شماره آیه آورده‌اند و بعد از مجموعه همه آیات نکته‌هایی استنباط کرده و نوشته‌اند و در میان تفاسیری که این جانب در آنها دقت کرده‌ام میزان از همه جامع‌تر و مفیدتر است و پاداش این عالم جلیل با خداوندی است که منزل قرآن می‌باشد.^{۳۱}

دکتر سیدحسین نصر که در مناظره‌های علمی علامه طباطبایی با پروفیسور هانری کرین در خصوص شیعه حضور داشته و از نظریات این عالم عاملِ محظوظ بوده است عقیده دارد که در حوزه علمیه قم بزرگترین خدمت علامه طباطبایی احیای علوم عقلی و نیز تفسیر قرآن کریم بوده است. مهمترین اثر علامه طباطبایی یقیناً همان تفسیر میزان است. این اثر نفیس از بزرگترین تفسیرهای این عصر است و همان خدمتی را که تفاسیر بزرگ قدیم با توجه به علوم و فلسفه زمان خود در فهم قرآن به مسلمانان اعصار انجام داده است برای نسل فعلی انجام می‌دهد: وانگهی علامه طباطبایی روش جدیدی در تفسیر به‌کار برده‌اند که بر نص حدیث مبتنی است و آن تفسیر آیات قرآنی با سایر آیات است.^{۳۲}

فیض قدسی

مرحوم دکتر سیدحسین سادات ناصری، ادیبه دانشور و محقق دانشگاه خود را از کسانی می‌داند که در مدت سی‌وهفت سال از نزدیک و دور با محضر شریف حضرت علامه پیوستگی داشته ولی آن چنان که باید نتوانسته است در ژرفای گستردهٔ عرفانی کم نظیر این سالک موحد و موحد سالک و مجذوب سالک و سالک مجذوب کما هو حقه غور و بررسی کند.

وی اضافه می‌کند که در احوال و اوصاف علامه بزرگوار می‌بینیم که یک مرد فقیه، دقیق، روشن‌بین، درس‌خوانده و معرفت‌آموخته، ناگهان تغییر جهت می‌دهد، نیازهای روز را تشخیص می‌دهد و متوجه می‌شود که باید درس تفسیر بگوید و فلسفه را شروع کند. مردی که از استادان خود بهره‌ها گرفته و به شاگردان خویش فیض‌ها رسانده و با شاگردان خود، در دانش و بینش اسلامی ورق‌ها و دفترها اضافه کرده که نمونه‌اش ترجمه‌های دفترهای بیست‌گانه تفسیر شریف میزان است. مسئله دیگر که در وجود علامه به رأی العین قابل مشاهده است نگرش به زندگی به عنوان امری مستمر و بدون توقف و در گردش است. هر وقت که در بحث‌های علامه طباطبایی با هانری کرین شرکت می‌کردیم تا آقا را زیارت کنیم، افراد زیادی از دوستان و شاگردان ایشان در جلسه حضور پیدا می‌کردند. ایشان در عین این که بقایای میزان را می‌نوشتند تتمهٔ مباحثی را که با دوستان و شاگردانشان داشتند عنوان می‌کردند.

هیچ یک از کارهای علامه نه در قبل از او سابقه دارد و نه بعد از او؛ دید تازه ایشان نسبت به مسائل، در محوطهٔ بینش و در خور استعداد و

است که در این صورت مردم برای فهم قرآن به سخن پیامبر و جانشینان او نیاز ندارند و این که بخش مهمی از آیات قرآن دارای مفاهیم محکم و بین است برای این است که مردم با تدبّر در آنها آثار حقانیت وحی و رسالت پیامبر را دریابند و اذعان کنند که نمی‌توانند مانند هدایت قرآنی کتابی بیاورند و همه آیات برای مردم مفاهیم روشن ندارند و باید از روایات کمک بگیرند.^{۳۳}

گوهر گران سنگ

محقق و پژوهشگر معاصر استاد دکتر سید جعفر شهیدی یادآور می‌شود که بسیاری از آنان که می‌خواستند مفهوم آیه‌های قرآن را به بحث‌های عقلی متداول عصر خود نزدیک کنند به حدی در این باره افراط کرده‌اند که گذشته از مخالفت با شرع، عقل سلیم نیز چنین تاویل‌ها را نمی‌پذیرفت. چرا چنین راه پر پیچ و خم و دور از مقصدی را پیش گرفتند. گویی می‌پنداشتند قرآن فقط برای تعلیم علوم طبیعی نازل شده است و از شناخت ستارگان و کیهانشان‌ها گرفته تا پرداخته منجمان و از زمین‌شناسی تا خاصیت داروها همه را باید از آیه‌های قرآن بیرون آورد؛ آن هم بدانسان که با گفته ارسطو و دیگر دانشمندان یونان در طبیعت و مابعد طبیعت برابر باشد. باعرضه شدن چنین تفسیرهایی از قرآن کریم معلوم می‌شود که در عصر ما جای تفسیری که آنچه قرآن می‌خواهد باشد بیان دارد، چه اندازه خالی است. تفسیری که در آن مفسّر نیکو بکوشد خود را بدانچه خدا می‌خواهد نزدیک کند، نه بدانجا که عاطفه و احساس یا خدای نخواستہ هوای آدمی او را بدان می‌کشاند. تفسیری از قرآن براساس آیه‌های قرآن و به عبارت روشن‌تر، تفسیر نه تاویل.

استاد شهیدی اظهار می‌دارد که تقریباً سی و دو سال پیش (زمان نگارش این مطلب سال ۱۳۶۴ ه. ش است) با دو سه تن از دوستان که از افاضل حوزه قم بودند به محضر مرحوم طباطبایی رفتم. ضمن سخن‌های گوناگون که به میان آمده فرمودند: مشغول نوشتن تفسیری بر قرآن هستم. گفتم در حوزهٔ اسلامی جای تفسیری که تا آنجا که ممکن است آیه‌های قرآن را با کمک آیه‌ای دیگر تفسیر کند خالی است و ایشان فرمودند از قضا مبنای من در تفسیری که می‌نویسم همین است. خدای را سپاس که با صرف بیش از سی سال عمر، آن وظیفه خطیر را انجام داد و آن جای خالی را پر ساخت.^{۳۴}

استاد عبدالرحمن مشکوة الدینی عقیده دارد مفسران حقیقی ائمه معصومین هستند. مفسران قرآن پس از ائمه هدی (ع) والاترین مقام و مرتبه را دارند و مخصوصاً سعی و تلاشی که علامه طباطبایی در این مورد کرده‌اند می‌توان گفت کم نظیر است. زیرا مفسران دیگر هر کلام در جنبه مخصوصی خدمت کرده‌اند. پاره‌ای از مفسران بیشتر به توضیح لغات و اشتقاقات و ترکیبات نحوی یا به نکته‌های دیگر ادبی که در علم معانی و بیان آمده است، پرداخته‌اند. گروهی احتمالاتی را که مفسران صدر اول آورده‌اند نقل کرده‌اند و بعضی به جنبه‌های تاریخی یا فلسفی و عرفانی یا نکته‌های اجتماعی پرداخته‌اند؛ اما علامه طباطبایی در تفسیر میزان علاوه بر توضیحات



به مناسبت

یکصدمین سالگرد تولد
علامه طباطبایی (ره)

پژوهش امثال من نیست ولی همین طور که:
آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

چشیدم و دیدم که با علمای سابق و تاحد زیادی لاحق خودشان فرق‌ها دارند. علامه مطالب تفسیری را با آیات شریف قرآنی سنجیده و میزان کرده و به دقت و استواری بیان داشته است. باور کنید ما به اندازه پنج انگشت تفسیر به این عظمت در جهان اسلام واقعاً نداریم. نه این که کار مجامله بخواهد انجام شود اصولاً تمامی کار علامه جز خواست خدا و جز فیض اقدس چه می‌تواند باشد.

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد.^{۴۴}

استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی از فرزندگان بزرگ معاصر است که عمری را در تدریس و تالیف پیرامون اندیشه‌های فلسفی متفکران جهان اسلام سپری کرده است. نامبرده در شرح حال خویش می‌گوید: (در قم) به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی وارد شدم. از همان روز اول که در درس اسفار ایشان نشستم شوق تازه‌تری در من ایجاد شده که بسیار نیرومند بود. هر روزی که می‌گذشت علاقه‌ام به درس اسفار مرحوم علامه بیشتر می‌شد و این درس چنان جاذبه‌ای در من ایجاد کرد که هرگونه تردیدی را که برای من حاصل شده بود از میان برد (چون ایشان تردید داشت در قم بماند یا خیر). مرحوم علامه طباطبایی تنها مدرس شارح فلسفه نبودند، بلکه ایشان به معنی واقعی کلمه فیلسوف بودند و ابتاعات بسیاری در مسائل فلسفی داشتند. وقتی در آن جلسات هر مشکلی که داشتیم و هر چه فکر می‌کردیم که باید گفته شود مطرح می‌کردیم، ایشان با بزرگواری خاصی - که در کمتر کسی دیده‌ام - به حرف‌ها خوب گوش می‌دادند و سپس جواب می‌دادند و بحث‌ها ادامه می‌یافت. هیچ وقت مسائل فلسفی را با عرفان و کلام در نمی‌آمیختند. در فلسفه استادان بسیار دیگری را هم دیده‌ام ولی تا این لحظه بدون هیچ ذره‌ای اغراق انسانی به حریت فکری مرحوم علامه طباطبایی در سراسر عمرم ندیده‌ام.^{۴۵}

استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، محقق و مترجم معاصر، در نوشتاری تفسیر المیزان را چنین معرفی کرده است: المیزان بدون مبالغه مهمترین و جامع‌ترین تفسیر شیعه پس از مجمع‌البیان طبرسی و مطلقاً یکی از چند تفسیر عمده و اساسی در قرون جدید است. این سخن با تشریح خطوط و خصوصیات عمده این تفسیر بهتر بیان می‌شود. با توجه به دقت نظر حکیمانه مولف و موشکافی‌های منطقی و ادبی و نقادی احادیث و نیز انتقاد آرای بعضی از مفسران قدیم و جدید و احتوا بر مهمات مسائل فلسفی و کلامی و اشتغال بر

گنجینه عظیمی از احادیث تفسیری بویژه تفسیرهای علمی قرن حاضر، تسلیم علم زدگی و دنیا گرایی نشدن و چنان که سزاوار راسخان در علم و ایمان است با متانت و منطبق صورانه پرده از چهره حقایق والا برگرفتن، تفسیر المیزان از ارزش کم نظیری برخوردار است و چه بسا این ترکیب موزون عقل، نقل، روایت و درایت تفسیری گرامی‌ترین هدیه علمی و حکمی عالم تشیع به پیشگاه قرآن باشد و به‌مانند مجمع‌البیان تا قرن‌ها اعجاب و احترام قرآن شناسان و تفسیر دانان سراسر اقطار عالم اسلامی را برانگیزد.^{۴۶}

یکی از استادان دانشگاه چنین گفته است: من شخصاً نه از شاگردان مستقیم مرحوم علامه طباطبایی بودم و نه از نزدیک با ایشان معاشرت زیاد داشتم. بیش از بیست سال پیش بود که معلم فیزیک ما که از خویشاوندان سببی مرحوم علامه بود به علت علاقه‌ای که به معارف دینی داشت من و دیگر شاگردان کلاس را با تفسیر المیزان آشنا کرد. آن موقع این تفسیر هنوز به تمامی نوشته نشده بود و مرحوم علامه مشغول تدریس و تنظیم و تلویین آن بودند و به تدریج از طبع خارج می‌شد. آشنایی ما با این تفسیر فتح باب برکتی بود به روی همه ما و خصوصاً من که مشتاق دریافت معارف زلال اسلام از سرچشمه‌های نخستین آن بودم و گرچه پس از آن همچنان از خواندن و مطالعه تفسیر نیاسودم و از این باب حافظه خود را گرانبار کرده‌ام و با تفسیر صافی، تفسیر مفاتیح الغیب امام فخررازی و تفسیر مجمع‌البیان انس و مصاحبت داشته‌ام ولی به قول همان بزرگوار که ما را با این تفسیر آشنا کرد، المیزان ناسخ التفسیر بود. یعنی شیوه بدیعی داشت و به لحاظ استدلال و پرداختن به حق موضوع و اجتناب از بیراهه‌ها و زواید نالازم به نحوی بود که سخنان دیگران نسبت به او و در کنار او نمودی نداشت. سبک مرحوم علامه از همان موقع مرا شیفته کرد.^{۴۷}

پانوشت‌ها:

۱ - یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی، ص ۱۱۳

۲ - مه‌رتابان، علامه سید محمدحسین حسینی تهرانی، ص

۱۲

۳ - مجله حوزه، شماره مسلسل ۲۱، مرداد و شهریور ۱۳۶۶.

ص ۵۹

۴ - روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، علی الاوسی،

ترجمه سیدحسین میرجلیلی، ص ۱۱۶

۵ - جرعه‌های جلیبخش، ص ۲۵۲، به نقل از مجله رساله

الاسلام، سال هشتم، شماره دوم، سال ۱۳۷۵ هـ. ق.

۶ - روزنامه جمهوری اسلامی، پنج شنبه سوم دیماه ۱۳۶۰،

بخش ضمیمه.

- ۷ - گفت و گو با دکتر محمد صادقی، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۱۰ - ۹، ص ۲۹۱
- ۸ - مجله رساله اسلام سل هشتم شماره دوم سال ۱۳۷۵ هـ. ق.، ص ۲۱۸ - ۲۱۷
- ۹ - معجم المفسرین، عادل نویهض، بیروت، ۱۴۰۹ هـ. ق. ج دوم، ص ۷۷۷
- ۱۰ - اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر، فهد بن عبدالرحمن رومی، ج اول، ص ۲۴۹ - ۲۵۰
- ۱۱ - نک: تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۳۳ - ۱۰۴
- ۱۲ - بنگرید به کتاب بین الشیعه و السنه درسه مقارنه فی التفسیر و اصوله مکتبه ابن تیمیّه و دار الاعتصام، دکتر علی سالوس، ص ۲۶۲ - ۲۵۸
- ۱۳ - ماخذ قبل مقدمه، ص ۷ - ۵
- ۱۴ - سوره زخرفه آیه ۷۱
- ۱۵ - «ویژگی هایی چند از تفسیر المیزان» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، تابستان ۱۳۷۹، شماره دوم، ص ۲۵۱
- ۱۶ - منهج القرآن الکریم فی تقریر الاحکام، مصطفی محمد باجقی، طرابلس، المنشأه العامه للنشر و التوزیع و الاعلان، ۱۹۸۴ م، ص ۲۸۶ - ۲۸۷
- ۱۷ - مهر تابان، ص ۷۰، پژوهش های قرآنی، شماره ۱۰ - ۹، ص ۲۱۲
- ۱۸ - مصاحبه با استاد وهبه زحیلی، فصلنامه بینات سال اول، شماره دوم، ص ۱۱۸
- ۱۹ - دومین یادنامه علامه طباطبایی، ص ۲۸۶
- ۲۰ - نقیه البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، ص ۶۴۶ - ۶۴۵
- ۲۱ - یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی، (سخنرانی استاد شهید مرتضی مطهری تحت عنوان احیای تفکر دینی)، ص ۱۳۶ - ۱۱۸
- ۲۲ - جرعه های جلیخش، از نگارنده، ص ۱۳۴
- ۲۳ - روزنامه جمهوری اسلامی، سوم دیماه ۱۳۶۰، بخش ضمیمه همان ماخذ ص ۱۳۵
- ۲۴ - «نقش علامه طباطبایی در معارف اسلامی»، نخستین یادنامه علامه طباطبایی، ص ۲۰۰
- ۲۵ - «نگرشی کوتاه به زندگی علامه طباطبایی»، یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی، ص ۸۰ - ۷۹، ۱۱۶
- ۲۶ - مقدمه علامه حسن زاده آملی بر کتاب مفتاح المیزان
- ۲۷ - مجله پیام انقلاب شماره ۱۵۰، ص ۱۶
- ۲۸ - «سیره فلسفی استاد علامه طباطبایی»، آیه الله جواد آملی، یادنامه مفسر کبیر، ص ۱۸۷
- ۲۹ - یلداها و یادگارها، علی تاج دینی، ص ۱۸، پاورقی
- ۳۰ - روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه سالروز رحلت علامه طباطبایی، سه شنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۲، ص ۴ - ۳
- ۳۱ - کیهان، شماره ۱۲۰۱۵
- ۳۲ - رساله لب الالباب در سیر و سلوک اولی الالباب علامه سید محمدحسین حسینی تهرانی، ص ۱۸
- ۳۳ - مهر تابان، ص ۴۴ - ۴۰ با اندکی تلخیص و تغییرات جزئی در عبارات و مضامین
- ۳۴ - مفتاح المیزان، ج اول، مقدمه، ص سی و نه
- ۳۵ - یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی، ص ۴۷ - ۴۶
- ۳۶ - دومین یادنامه علامه طباطبایی، ص ۲۸۲ - ۲۸۰
- ۳۷ - جرعه های جلیخش، ص ۲۴۵ - ۲۴۴
- ۳۸ - ترجمه تفسیر المیزان، ج اول، ص ج، مقدمه
- ۳۹ - گفتگو با استاد محمدهادی معرفت، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۱۰ - ۹، ص ۲۷۱ - ۲۶۹
- ۴۰ - گفتگو با آیه الله دکتر محمد صادقی، تهران، فصلنامه بینات شماره ۳۰، ص ۱۰۰
- ۴۱ - گفتگو با استاد دکتر محمد صادقی، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۱۰ - ۹، ص ۲۸۶ - ۲۸۵ و ۲۹۴
- ۴۲ - یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی، ص ۱۹۵ - ۱۹۴
- ۴۳ - یادنامه مفسر کبیر، ص ۳۹۷ - ۳۹۶
- ۴۴ - ماخذ قبل و نیز مفتاح المیزان، مقدمه، صفحه سی
- ۴۵ - «دورنمایی از اخلاق و رفتار علامه طباطبایی»، ابراهیم امینی، یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی (اقتباس و مأخوذ از صفحات ۱۲۷ - ۱۲۰)
- ۴۶ - «اخلاق علامه و یک بحث فلسفی» نخستین یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۷۵ - ۱۷۴
- ۴۷ - «سیری در زندگی علمی و انقلابی استاد شهید مرتضی مطهری»، یادنامه شهید مطهری، ج اول، ص ۳۴۲ - ۳۴۱
- ۴۸ - مجله شکوه شماره ۳۲، ص ۲۶ - ۲۵
- ۴۹ - گفتگو با استاد سیدجعفر سیدان، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۹ - ۱۰
- ۵۰ - نک: المیزان، ج سوم، ص ۸۶
- ۵۱ - فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۱۰ - ۹، ص ۳۱۲
- ۵۲ - المیزان در میان تفسیرهای قرآن، کیهان فرهنگی، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۶۴، ص ۱۴ - ۱۳
- ۵۳ - «تجلیل از تمام مفسران قرآن و ایمان به غیبه عبدالمحسن مشکوٰۃ الدینی»، اولین یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۳۳ و ۱۴۴ با کمی تلخیص و اندکی تغییر در عبارات.
- ۵۴ - شیعه در اسلام، مقدمه سیدحسین نصر
- ۵۵ - مأخوذ از سخنرانی دکتر سیدحسین سادات ناصری در مراسم یادواره علامه طباطبایی، آبان ماه سال ۱۳۶۵ هـ. ش. یادبود یادواره علامه طباطبایی در کازرون، به کوشش منوچهر مظفریان
- ۵۶ - آینه های فیلسوف (گفتگوهای درباره زندگی آثار و دیدگاه های دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، عبدالله نصری، ص ۳۷ - ۲۵)
- ۵۷ - مجله نشر دانش، سال دوم، شماره اول، آذر و دی، ۱۳۶۰
- ۵۸ - جرعه های جلیخش، ص ۲۴۸



به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد علامه طباطبایی (ره)